

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه حکیم سنواری

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد تاریخ تشیع

شیعیان اثنی عشری و سقوط بغداد (۶۵۶ه. ق)

استاد راهنما :

دکتر سید جواد خاتمی

استاد مشاور:

دکتر حسن صادقی سمرجانی

پژوهشگر:

معصومه مرادی فجر

آذر ۱۳۹۳



فرم ۱۱۴ - ت

شماره:

تاریخ:

بسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تلاوت آیاتی چند از کلام ... مجید جلسه دفاع از پایان نامه آقای / خانم دانشجوی معصومه مرادی فجر رشته تاریخ تشیع با عنوان شیعیان اثنی عشری و سقوط بغداد (۶۵۶ ه. ق) در ساعت ۱۴-۱۲ مورخه ۱۳۹۳/۹/۸ در محل دانشکده سالن اجتماعات دانشکده ادبیات تشکیل گردید .

پس از استماع گزارش ارائه شده توسط دانشجو و استاد راهنما هیات داوران و حاضران سئوالاتی را مطرح و نامبرده به دفاع از موضوع پرداخت و به سئوالات آنها پاسخ گفت. سپس پایان نامه توسط هیات داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و نمره ۱۸٫۲۵ برابر درجه (بسیار خوب) برای آن تعیین گردید .

به این ترتیب ضمن تصویب پایان نامه مزبور از این تاریخ آقای / خانم معصومه مرادی فجر به عنوان کارشناس ارشد در رشته تاریخ تشیع شناخته می شود .

امضا	مرتبۀ علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران	ردیف
	استادیار	دکتر سید جواد خاتمی	استاد راهنما	
	استادیار	دکتر حسن صادقی سرجانی	استاد مشاور	
	استادیار	دکتر علی یحیایی	استاد داور	
	استادیار	دکتر مصطفی مهدوی آرا	نماینده تحصیلات تکمیلی	

نام و نام خانوادگی و امضای مدیر گروه

رونوشت

- ۱- معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه جهت اطلاع
- ۲- معاونت پژوهشی دانشگاه جهت اطلاع
- ۳- آموزش دانشکده جهت درج در پرونده دانشجو
- ۴- دانشجو س



سوگند نامه دانش آموختگان دانشگاه تربیت معلم سبزوار

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

به نام خداوند جان و خرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک ، کوشش خویش و بهره گیری از دانش استادان و سرمایه های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه ای از دانش و خرد گردآورده ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می کنم که در به کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می گیرم که از همه دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته باشم و ممنوعان خود را در هر زمان و مکان تا سر حد امکان یاری دهم. سوگند می خورم که در به کارگیری دانش خویش به کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مبادینت دارد دست نیازم. همچنین در سایه اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم میهنانم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافراز ، بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

نام و نام خانوادگی وامضای دانشجو

معصومه مرادی فجر

تاییدیه ی صحت و اصالت نتایج

بسمه تعالی

اینجانب معصومه مرادی فجر به شماره دانشجویی ۹۱۱۳۴۲۳۰۵۶ رشته تاریخ تشیع مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد

تأیید می نمایم که کلیه نتایج این پایان نامه حاصل کار اینجانب و بدون هرگونه دخل و تصرف و موارد نسخه برداری شده از آثار دیگران را با ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده ام در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان . قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ضوابط و مقررات آموزشی پژوهشی و انضباطی...) با اینجانب رفتار خواهد شد . و حق هر گونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می نمایم . در ضمن مسئولیت هر گونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت .

نام و نام خانوادگی :

معصومه مرادی فجر

تاریخ و امضاء:

مجوز بهره برداری از پایان نامه

بهره برداری از این پایان نامه در چهار چوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود بلامانع است :

- ✓ بهره برداری از این پایان نامه برای همگان بلامانع است
- ✓ بهره برداری از این پایان نامه با اخذ مجوز از استاد راهنما بلامانع است
- ✓ بهره برداری از این پایان نامه تا تاریخ ممنوع است .

استاد راهنما:

تاریخ و امضاء

تقدیم به مهربان فرشتگانی که:

لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگی، مدیون حضور سبز آنهاست.

تقدیم به خانواده عزیزم.

فهرست

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	۱- فصل اول: مقدمه و کلیات پژوهش
۳	۱-۱- مقدمه
۴	۱-۲- تعریف مسأله
۵	۱-۳- هدف از طرح پایان نامه
۵	۱-۴- اهمیت موضوع پژوهش
۵	۱-۵- سؤال اصلی پژوهش
۶	۱-۶- سؤالات فرعی پژوهش
۶	۱-۷- روشها و فنون اجرائی طرح پایان نامه
۶	۱-۸- پیشینه ی تحقیق و سابقه ی تاریخی (نظری تجربی) موضوع تحقیق
۶	۱-۹- منابع تحقیق
۸	۱-۱۰- قلمرو تحقیق (محدوده ی زمانی و مکانی تحقیق)
۹	۲- فصل دوم: سیاست خلفای عباسی پیرامون علویان و شیعیان ایران
۱۰	۲-۱- پیشینه لفظ بغداد
۱۱	۲-۱-۱- بنای بغداد
۱۳	۲-۱-۲- محله رصافه (قسمت شرقی بغداد)
۱۴	۲-۱-۳- محله کرخ (قسمت غربی بغداد)
۱۷	۲-۲- ساختار حکومت عباسیان

- ۲-۳- خلفای عباسی و قیام های علویان عراق ۱۹
- ۲-۴- خلفای عباسی؛ ورود نخستین علویان به طبرستان ۲۳
- ۲-۴-۱- شکل گیری نهضت طبرستان ۲۴
- ۲-۵- دیدگاه خلفا درباره شیعیان بغداد ۲۷
- ۲-۵-۱- وضعیت شیعیان در ابتدای دولت عباسی ۲۷
- ۲-۵-۲- وضعیت شیعیان در دوران دوم خلفای عباسی ۲۹
- ۲-۵-۳- وضعیت شیعیان در زمان آل بویه ۳۲
- ۲-۵-۴- وضعیت شیعیان در عصر سلجوقیان ۳۲
- ۲-۶- دیدگاه خلفای عباسی و درگیری بین شیعه و سنی ۳۴
- ۳- فصل سوم: اوضاع شیعیان از ناصرالدین الله تا مستعصم عباسی ۴۴
- ۳-۱- تشیع خلیفه ناصر وضعیت شیعیان این دوره ۴۵
- ۳-۱-۱- دستگاه خلافت و سلطان محمد خوارزم شاه ۵۰
- ۳-۲- روابط بین شیعه و سنی دوره متأخر عباسی ۵۳
- ۳-۳- مستعصم عباسی وضعیت شیعیان این دوره ۵۸
- ۳-۳-۱- غفلت خلیفه ۶۳
- ۴- فصل چهارم: بررسی اوضاع کلی (بغداد و شیعیان) در آستانه حمله مغول ۶۵
- ۴-۱- اوضاع بغداد ۶۶
- ۴-۲- وضعیت شیعیان تا سقوط بغداد ۷۰
- ۴-۳- مغولان و حرکت به سمت قلمرو اسلام ۷۱
- ۴-۳-۱- جانشینان چنگیز ۷۴
- ۴-۴- چگونگی نبرد و حرکت به سوی بغداد ۷۴

۸۱	۴-۵- چگونگی تصرف بغداد.....
۸۶	۴-۶- چگونگی قتل خلیفه و سقوط نهائی بغداد.....
۹۲	۵- فصل پنجم: شیعیان اثنی عشری و سقوط بغداد(۶۵۶-ه.ق).....
۹۳	۵-۱- نقش خواجه نصیرالدین طوسی در سقوط بغداد.....
۹۴	۵-۱-۱- خواجه نصیرالدین طوسی و اسماعیلیه.....
۹۶	۵-۱-۲- خواجه نصیرالدین طوسی و نقش او در فتح بغداد.....
۹۸	۵-۱-۳- منابع و نقش خواجه نصیرالدین طوسی.....
۱۰۳	۵-۲- نقش ابن علقمی در سقوط بغداد.....
۱۰۵	۵-۲-۱- مساله ارتباط وزیر(ابن علقمی) با مغول.....
۱۰۹	۵-۲-۲- دفاعیه ابن طقطقی از ابن علقمی در دادگاه تاریخ.....
۱۰۹	۵-۲-۳- بررسی نقش ابن علقمی در کاهش سپاه و سقوط بغداد.....
۱۱۴	۵-۳- بررسی نقش ابن طاووس در سقوط بغداد.....
۱۱۶	۵-۳-۱- ابن طاووس و مستنصر عباسی.....
۱۱۸	۵-۳-۲- اقدامات ابن طاووس در دفاع از بغداد.....
۱۱۹	۵-۳-۳- نقش ابن طاووس در سقوط بغداد.....
۱۲۱	۵-۳-۴- موضع ابن طاووس در برابر مغولان.....
۱۲۳	۵-۴- شیعیان حله و سقوط بغداد.....
۱۲۴	۵-۵- تحلیلی بر شیعیان درحادثه سقوط بغداد.....
۱۲۶	۵-۶- وضعیت بغداد بعد از فتح.....
۱۳۲	نتیجه گیری.....
۱۳۷	منابع و مأخذ.....



دانشگاه حکیم سبزواری

فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: مرادی فجر	نام: معصومه	ش دانشجویی: ۹۱۱۳۴۲۳۰۵۶
استاد راهنما: دکتر سید جوادخاتمی	استاد مشاور: دکتر حسن صادقی سمرجانی	
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	رشته: تاریخ	گرایش: تشیع
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۹/۸	تعداد صفحات: ۱۴۳

عنوان پایان‌نامه: شیعیان اثنی عشری و سقوط بغداد (۶۵۶.ق)

کلیدواژه‌ها: شیعیان اثنی عشری، سقوط بغداد، مستعصم، خواجه نصیرالدین، ابن علقمی، ابن طاووس، شیعیان حله

چکیده

حمله مغول به بغداد مرکزیت سیاسی جهان اسلام را فرو پاشید. این رخدادی بود که تا زمان حاضر، بحث و جدلهایی درباره آن هست. اهل تسنن به نقش علمای شیعه در این باره، حساس هستند. اما بر پایه منابع تاریخی، می‌توان گفت، نابودی خلافت عباسی، در شمار اولویت های حکومتی مغولان بود. در این پژوهش، با هدف تبیین اوضاع شیعیان اثنی عشری بغداد در دستگاه خلافت عباسی و نقش آنها در سقوط بغداد (۶۵۶ ه.ق)، تلاش شده است که با روش تحلیلی - توصیفی، منابع نزدیک به حادثه را مورد بررسی قرار دهیم.

نتیجه کلی آن که، با بر افتادن این نهاد، برخی از کسانی که دیدگاه مناسبی نسبت به شیعه نداشتند، گناه این حادثه را به گردن شیعیان انداختند. اما بنابر شواهد تاریخی، برخی بزرگان و دولتمردان بغداد؛ نظیر خواجه نصیرالدین طوسی، ابن علقمی، ابن طاووس و شیعیان حله در هنگام محاصره بغداد نقش سازنده ای ایفا نکردند. باید در این راستا، سقوط سیاسی درونی که به مرور زمان دامن گیر عباسیان شده بود و ضعف خلافت و بخصوص کشورگشایی مغولان و عوامل دیگر را عامل سقوط این امپراطوری عظیم اسلامی (که در نمان پوسیده بود)، دانست. که سرانجام با تهاجم مغول کار، این دستگاه را یکسره کرد.

امضای استاد راهنما

فصل اول:

مقدمه و کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

شیعیان اثنی عشری، در ابتدای دولت عباسی، نقش خیلی کم رنگی در عرصه قدرت داشتند و در تقیّه به سر می‌بردند. با ورود آل بویه به بغداد، فرصتی برای شیعیان فراهم شد. تا آزادانه به ترویج عقاید مذهبی خود بپردازند.

البته، با ورود سلجوقیان به بغداد، شیعیان بار دیگر به حاشیه رانده شدند و دوباره تقیّه پیش گرفتند. به مرور زمان، این گروه (شیعیان) به خاطر لیاقت و کاردانی که در اجتماع از خود نشان دادند، به عرصه سیاست راه یافتند و در دوره ناصر، شاهد اوج حضور شیعیان در مناصب سیاسی هستیم. و این روند حضور شیعیان تا سقوط عباسیان؛ یعنی دوره خلیفه مستعصم ادامه داشت.

در دوره مستعصم عباسی، ضعف و بی‌تدبیری خلیفه عباسی، در اداره امور و منازعات میان درباریان سنی و شیعه، به بروز بحران اجتماعی چون واقعه کرخ (۶۵۴ ه. ق) منجر شد. و خلافت بغداد که در طی قرون متمادی، به دلایل گوناگون دچار ضعف و انحطاط شده بود، با حمله مغولان ساقط گشت. در این زمان، شیعیان عراق که به عنوان یک گروه اقلیت بودند، وقتی با تهاجم مغولان مواجه شدند، در برابر مغولان، برای نجات جان خود سیاست مسالمت آمیزی در پیش گرفتند. و خود و مسلمانان را از این بلای آسمانی نجات دادند. و تنها دلیلی که از طرف مورخان مخالف برای نقش شیعیان در سقوط بغداد ذکر می‌شود، غاصب بودن عباسیان است که شیعیان، خلافت آل عباس را قبول ندارند.

در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی در پی کاوش نقش این گروه (اقلیت شیعیان) در سقوط بغداد سال (۶۵۶ ه. ق) هستیم.

این پژوهش، دارای پنج فصل می‌باشد که در فصل اول به کلیات تحقیق پرداخته شده و در فصل دوم، به سیاست خلفای عباسی، پیرامون علویان و شیعیان ایران اشاره شد و در فصل سوم، به اوضاع شیعیان از ناصرالدین الله تا مستعصم عباسی نظر کردیم و در فصل چهارم، به اوضاع کلی بغداد و شیعیان، در آستانه حمله مغول مورد بحث و بررسی شد و در فصل پنجم (در واقع بخش اصلی پایان نامه است)، شیعیان اثنی عشری و سقوط بغداد (۶۵۶ ه. ق) مورد بررسی قرار دادیم. و در خاتمه به نتیجه گیری از مطالب مطرح شده، در فصول پایان نامه پرداخته شده است.

در این پژوهش، در ابتدا چنین گمان می‌رفت که در این راستا با کمبود منابع مواجه می‌شویم، ولی به دلیل اهمیت این موضوع در جهان اسلام و مطالعه کتاب‌های در این زمینه، تا حدودی انجام کار را میسر

ساخته است. واقعیت امر این است که «واقعه سقوط بغداد ۶۵۶ه. ق» یکی از خطرناک‌ترین موضوعات تاریخ اسلام می‌باشد. و بعد از آن واقعه، انگشت اتهام از طرف عده‌ای، به سوی شیعه روانه شد، به طوری که این عده محدود، عامل اصلی و درجه اول، سقوط بغداد را شیعیان معرفی کردند. در این پژوهش برخلاف نظر منابع مخالف، ما نقشی برای شیعه در این راستا نمی‌بینیم. در این پژوهش با بررسی منابع متقدم که بیشتر از اهل سنت گرفته شده‌اند، سعی در تبیین و تحلیل این موضوع که در واقع، به عنوان چالش عظیمی در جهان اسلام تلقی شده است، پرداخته می‌شود.

۱-۲- تعریف مسأله

یکی از وقایع مهم تاریخ که در گستره سرزمین‌های اسلامی در سال ۶۵۶ه. ق اتفاق افتاده است، سقوط بغداد به دست مغولان بود. بسیاری از مورخان، تاریخ اسلام را تا زمان سقوط بغداد ذکر کرده‌اند. از آن جایی که شیعیان، در بدو تأسیس عباسیان، به عنوان رقیب عباسیان مطرح شدند و به خاطر همین از قلمرو عباسی متواری شده بودند. در دوره خلافت، ۵۲۴ ساله عباسیان چون شیعه، در اقلیت بود، شاهد انواع احجاف از سوی دولت وقت بر آن‌ها هستیم. از زمان ورود دولت‌هایی چون؛ آل بویه و آل سلجوق به بغداد و تعامل میان خلافت و سلطنت که در هر دوره‌ای فراز و نشیب‌های بسیار و شرایط حساس سیاسی و اجتماعی را برای شیعیان به همراه داشت. واضح و مبرهن است که، این حادثه (سقوط عباسیان)، آنقدر اهمیت داشت. که در آن زمان اظهارات خواجه نصیرالدین طوسی، فیلسوف و ریاضی‌دان شیعی، خطاب به هلاکوخان مغول، درباره‌ی عدم تأثیر کشته شدن خلیفه و خاندانش بر اوضاع تکوینی عالم، زمینه‌ای را فراهم کند تا برخی از مورخان، شیعه را در سقوط بغداد متهم بدانند. محله‌ی کرخ، منطقه شیعه نشین بغداد، همواره محل درگیری شیعه و سنی بود که شیعیان بسیاری به دست پسر خلیفه مجاهدین ایبک (دواتدار) کشته شدند و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. ابن‌علقمی، وزیر شیعه، از «واقعه کرخ» ۶۵۴ه. ق به شدت ناراحت بود. در این زمان (قرن هفتم ه. ق) شیعیان شهر حله و محله‌ی کرخ از این درگیری‌ها به تنگ آمده‌بودند. در مجموع، دوران مستعصم عباسی، برای شیعیان بغداد، دوره‌ای، همراه با آشوب و تشویش بود. واقعه کرخ (۶۵۴ه. ق)، چنان شیعیان را اندوهگین ساخته بود، که هیچ مرهمی نمی‌توانست آن را تسکین دهد. مسأله‌ی نامه وزیر (ابن‌علقمی) به ابن‌صلایا؛ حاکم اربل و نامه وزیر به هلاکوخان مغول برای حمله به بغداد، همه این‌ها از طرف مورخان، دال بر نقش وزیر در سقوط بغداد شناخته شد. البته منابع اهل تسنن در این زمینه (نقش وزیر) افراط کرده‌اند و وزیر را عامل اصلی سقوط بغداد معرفی کرده‌اند. و از انگیزه مغولان و ضعف خلافت سخنی نمی‌گویند. هم زمان با هجوم مغولان، شهر حله با وساطت روحانیون این شهر، از حمله مغولان در امان می‌ماند، به طوری که فتوای ابن طاووس، مبنی بر افضل بودن سلطان کافر عادل، بر سلطان ظالم که بعد از سقوط بغداد صادر می‌کند را عامل سقوط بغداد می‌دانند و در ادامه منابع

مخالف می‌گویند که شیعیان، از نظر فکری حکومت مغولان را بر خلیفه مسلمان عباسی ارجح دانستند. در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که «آیا شیعیان در سقوط بغداد نقش داشته‌اند؟» البته باید ریشه این رویداد تاریخی را در منابع دیگر، جست و جو کرد.

۱-۳-هدف از طرح پایان نامه

هدف از این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که «آیا شیعیان در سقوط بغداد نقش داشته‌اند یا نه؟» البته پس از پاسخ دادن به این پرسش اصلی (که در واقع بنای این پژوهش بر اساس آن شکل گرفته)، به چگونگی نقش شیعیان می‌پردازیم که آیا در این واقعه (سقوط بغداد) نقش داشته‌اند یا نه؟ از سوی منابع مخالف، دلایلی که برای نقش شیعه ذکر کردند، از این قرار است؛ اول این که، هلاکوخان مغول به تحریک خواجه نصیرالدین طوسی، به بغداد حمله برد و قتل خلیفه را به گردن او انداختند!

دوم، نامه وزیر به هلاکو و ترغیب خان مغول برای حمله به بغداد! سوم، ایلی شدن مردم حله، فرار آن‌ها به طرف بیابان‌ها و عدم دفاع از حکومت مرکزی (دولت عباسی)! چهارم، فتوای ابن طاووس که افضلیت هلاکو بر خلیفه عباسی را می‌پذیرد! هدف ما، پاسخ به سؤالاتی از این موارد است. امید است بتوانیم تا حدودی این ابهامات را برطرف سازیم.

۱-۴-اهمیت موضوع پژوهش

اهمیت موضوع پژوهش، بیشتر ناظر بر جنبه‌های کاربردی آن است. که می‌تواند در محافل دانشگاهی و پژوهشی، مورد استفاده مخاطبین قرار گیرد. از آن جایی که ما امروزه به هر سایتی یا کتابی که درباره سقوط بغداد (که در این زمینه نقلی دارند) مراجعه می‌کنیم، نقش خواجه نصیرالدین طوسی و ابن علقمی وزیر را با این واقعه می‌بینیم. در واقع سقوط بغداد (۶۵۶ ه. ق) با نام این افراد، گره خورده است و کمتر کسی را می‌توان نام برد که از سقوط بغداد سخن گوید، اما از شیعیان آن دوره نامی نبرده باشد، ارزش موضوع، به افراد آن است، افرادی که در تاریخ از آن‌ها به نیکی یاد نمی‌شود.

۱-۵-سؤال اصلی پژوهش

آیا شیعیان اثنی‌عشری در سقوط بغداد (۶۵۶ ه. ق) نقش داشته‌اند؟

۱-۶-سؤالات فرعی پژوهش

- ۱- آیا خواجه نصیرالدین طوسی در سقوط بغداد نقش داشته؟
- ۲- ابن علقمی، وزیر عباسیان، چقدر در سقوط بغداد نقش داشته؟
- ۳- آیا ابن طاووس در سقوط بغداد نقش داشته؟
- ۴- آیا شیعیان حله در سقوط بغداد نقش داشته‌اند؟

۱-۷-روشها و فنون اجرائی طرح پایان نامه

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در ابتدای کار تلاش بر این موضوع است که «آیا واقعاً شیعیان در سقوط بغداد (۶۵۶ ه. ق) نقش داشته‌اند؟» را مورد تحلیل و تبیین قرار دهیم. بدیهی است که روش گردآوری در این پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای و اسنادی خواهد بود.

۱-۸-پیشینه ی تحقیق و سابقه ی تاریخی (نظری تجربی) موضوع تحقیق

تاکنون در این زمینه، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. مورخان معاصر پیرامون سقوط خلافت عباسی، کارهای تألیفی زیادی انجام دادند، افرادی؛ چون رسول جعفریان، شیرین بیانی، محمدطاهر یعقوبی، عبدالهادی حائری و راضیه سادات ابطحی، به این موضوع پرداخته‌اند. اما در خصوص نقش شیعیان در بغداد، این تحلیل با دیدی جدید ارائه شده است. بیشترین مطالبی که در پژوهش دریافت شد، از منابع متقدم بوده است و سعی کردیم با دیدی متفاوت از دیدگاه‌های دیگر مورخان، موضوع شیعیان را به چالش بکشیم. و تحقیقات معاصر را در این پژوهش مورد ارزیابی قرار دهیم.

۱-۹-منابع تحقیق

با توجه به این که روش تحقیق (شیعیان اثنی عشری و سقوط بغداد ۶۵۶ ه. ق)، توصیفی-تحلیلی می‌باشد، بنابراین عمده منابع تحقیق را کتاب‌ها و پژوهش‌های اسنادی تشکیل می‌دهد که مرتبط با پایان‌نامه و پژوهش می‌باشند، که در ذیل به برخی از این منابع می‌پردازیم:

۱) ابن اثیر، عزالدین علی، کامل فی التاریخ؛ ابن اثیر یکی از مورخان اسلامی است، معروفترین اثر او «الکامل فی التاریخ» یا «تاریخ کامل» است. در این کتاب، وقایع عالم را از ابتدای خلقت تا سال ۶۲۸ ه. ق یعنی تا عهد جلال‌الدین خوارزم شاه نوشته است. و درباره خلفای بنی عباس و ورود آل بویه و آل سلجوق به بغداد اطلاعات خوبی دارد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

۲) ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، صاحب کتاب تاریخ فخری؛ مورخ این کتاب از منابعی استفاده کرده است، که در دسترس نیست و پس از ذکر وقایع دوران خلافت هر خلیفه یا پادشاه، خصوصاً وزرای

آن‌ها نام برده است که درباره اوضاع عباسیان، خلافت مستعصم، چگونگی لشکرکشی مغولان به بغداد، ابن‌علقمی وزیر، اطلاعات سودمندی در بر دارد.

۳) جوزجانی، منهج سراج؛ مؤلف کتاب «تاریخ طبقات ناصری» یا «تاریخ کامل اسلام» است. در ۵۸۹هـ.ق، متولد شد. تألیف این کتاب در سال‌های ۶۵۷ یا ۶۵۸هـ.ق، صورت گرفته است، در حقیقت یکی از منابع اصلی، تاریخ غوریان به شمار می‌آید. این کتاب به هجوم مغول، از ابتدا تا فتح بغداد می‌پردازد، وی با فرمانداران مغول سخت مخالف است و به کرات در تألیف خود، آن‌ها را لعن و نفرین کرده است.

۴) وصّاف الحضرة، فضل‌الله بن عبدالله شیرازی، تاریخ وصّاف الحضرة تألیف اوست. (۶۹۸-۶۶۳هـ.ق) وصّاف به وسیله خواجه رشیدالدین فضل‌الله به دربار غازان‌خان و اولجایتو راه یافت. وصّاف در نوشتن کتاب خود، از آثار جوینی و فضل‌الله همدانی و دیگر اسناد دیوانی و شاهدان عینی رویدادها استفاده کرد. کتاب وصّاف در پنج بخش است، که بخش اول آن درباره اوضاع بغداد، منگوقاآن، هلاکوخان و سقوط بغداد اطلاعات سودمندی دارد.

۵) ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی صاحب کتاب، «حوادث الجامعه» می‌باشد؛ ابن فوطی، اصالتاً از مردم مرو رود خراسان بوده، وی از زمان آخرین خلفای عباسی امور دیوانی بغداد را عهده دار بوده، پس از فتح بغداد به دست هلاکوخان در آن جا خدمت می‌کرد. کتاب او به زبان عربی است که درباره سقوط بغداد، احوال آن‌جا، مقارن سقوط بغداد و درگیری مغولان با سپاه خلیفه اطلاعات سودمندی دارد. ابن فوطی، پیرامون وضع سیاسی بغداد در آستانه حمله مغول مطالب خوبی ارائه می‌کند. کتاب وی حوادث را تا سال ۷۰۰هـ.ق، بیان می‌دارد.

۶) عظاملک جوینی: (۶۲۲-۶۸۱هـ.ق)، صاحب تاریخ جهان‌گشای می‌باشد، این کتاب در سه جلد، در دوره ایلخانیان تألیف شده است. در جلد سوم این کتاب، در ذیلی که خواجه نصیر درباره کیفیت واقعه بغداد نوشته، اطلاعاتی ارزشمندی چون حرکت هلاکو، چگونگی نبرد، اوضاع مالی بغداد و بغداد بعد از سقوط دارد که در واقع بهترین اطلاعاتی که می‌توان به آن‌ها، اشاره کرد. و در این پژوهش، جایگاه خاصی دارند.

۷) سیوطی، جلال‌الدین (۸۴۹-۹۱۱). جلال‌الدین ابوالفضل عبدالرحمان بن ابوبکر خضیری ملقب به سیوطی؛ وی در سیوط، شهری در جنوب مصر به دنیا آمد. کتاب وی «تاریخ الخلفاء» است، که درباره اوضاع عباسیان، خلفای عباسی، بخصوص اواخر عباسیان؛ سپاه و مستعصم و مباحث پیرامون، سقوط بغداد اطلاعات بسیار مفیدی دارد و در این پژوهش از آن استفاده شده است.

۸) فخرناکتی: متوفی ۷۳۰هـ.ق، در دستگاه غازان سیمت ملک الشعرايي داشته، کتاب خود، تاریخ بناکتی را به سفارش ابوسعید سال ۷۱۷هـ.ق تألیف کرد. این کتاب درباره اوضاع کلی بغداد و ایران، و خلفای بنی‌عباس و حمله مغولان به بغداد، سقوط عباسیان اطلاعات مفیدی در بر دارد که در این پژوهش مورد

استفاده قرار گرفت.

۹) ابن ابی‌الحدید ۶۲۲-۶۸۱ ه.ق، او از نزدیکان ابن‌علقمی وزیر مستعصم عباسی، بود. وی شارح نهج‌البلاغه است. شرحی نسبتاً مبسوطی از آغاز حمله چنگیزخان و بخصوص حمله هلاکوخان به بغداد در چند برگ دارد.

۱۰) صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک، متوفی (۵۶۴ ه.ق) او صاحب کتاب الوافی بالوفیات می‌باشد، کتابش در زمره کتب رجال و وفیات می‌باشد. با توجه به هم‌زمانی او با دوره مغول، شرح حال رجال بغداد و خلافت عباسی را به خوبی بیان می‌نماید.

۱۱) نخجوانی، هندوشاه، صاحب کتاب تجارب السلف. از اهالی نخجوان (مکانی بین تبریز و بیلقان) می‌باشد. چنان‌که خود نویسنده در مقدمه کتابش آورده است، نظر کلی به کتاب فخری داشته، البته او مطالب بسیاری بر این کتاب افزود. هندوشاه قسمت کتاب فخری را که راجع به آداب سلطانیه و سیاست‌های ملکداری است، تقریباً به‌تمامه حذف کرده، ولی قسمت دوم، که قسمت مخصوص به تاریخ خلفاء، وزرا و دول معاصر ایشان است به‌جز حذف جزئی پاره‌ای از مطالب کتاب، اصل کتاب را آورده. البته اضافاتی زیادی بر کتاب آورده است که در تاریخ فخری نیست. این کتاب درباره خلفای بنی‌عباس و سقوط بغداد، اطلاعات خوبی دارد.

۱۲) همدانی، فضل‌الله، (۶۴۵-۷۱۸ ه.ق) جدش موفق الدوله (پزشک بود). به اتفاق خواجه نصیرالدین، نزد اسماعیلیه به سر می‌برد، به سفارش غازان‌خان این کتاب را نوشت. تألیف این کتاب در سال ۷۱۰ ه.ق، پایان یافت. این کتاب در دو بخش است که جلد دوم آن به خاندان چنگیزی و حرکت هلاکوخان مغول و حمله به بغداد و سقوط بغداد پرداخته است. اطلاعات بسیار ارزشمندی در این زمینه‌ها دارد.

۱۳) کتاب مجمع‌انساب، اثر فارسی محمد بن علی شبانکاره‌ای، تاریخ عمومی ایران است که به بیان برخی حوادث تاریخی، از حضرت آدم (علیه السلام) تا روزگار مغول پرداخته است. نویسنده، نگارش کتاب را در سال ۷۳۳ ق آغاز کرده و در سال ۷۳۶ ق به اتمام رساند و آن را برای سلطان ابوسعید ایلخانی فرستاد. کتاب در دو جلد نوشته شده است. که در جلد دوم به حرکت مغولان، چگونگی حرکت هلاکوخان و اوضاع بغداد و چگونگی قتل خلیفه، اطلاعات سودمندی ارائه می‌کند.

۱-۱۰-۱- قلمرو تحقیق (محدوده‌ی زمانی و مکانی تحقیق):

برهه زمانی تحقیق مذکور، مربوط به شیعیان اثنی‌عشری تا سقوط بغداد (۶۵۸ ه.ق/ ۱۲۵۸ م)؛ یعنی، قرن هفتم ه.ق می‌باشد. محدوده مکانی تحقیق، کشور عراق می‌باشد.

فصل دوم :

سیاست خلفای عباسی پیرامون علویان و شیعیان ایران

خلفای بنی عباس، در ابتدای تشکیل دولت عباسی، سیاست تندی را در قبال علویان، اعمال می‌کردند. و به شدت آن‌ها را سرکوب می‌کردند. به دنبال این ماجرا و متواری شدن علویان به سمت ایران و تشکیل دولت علویان طبرستان، کم‌کم از دامنه این خشونت‌ها کاسته شد. در این زمان، شیعیان بغداد سیاست تقیّه پیش‌گرفتند. البته دیدگاه خلفای عباسی پیرامون علویان، یا به خاطر سیاست هایشان برای استمرار حکومت، یا به خاطر ضعف در مقابل درباریان (شیعه یا سنی) و مردم، هر چیزی که بوده است تقریباً مسالمت‌آمیز بوده. آن‌ها، در مقابله با علویان روش خاصی را پیش‌گرفتند و به ظاهر، خود را به شیعیان نزدیک کردند، اما در خفا، دستور قتل و کشتار آن‌ها را صادر می‌کردند. اما با ورود آل‌بویه (شیعه مذهب) به بغداد؛ چون خلفای عباسی، از اقتدار کافی برخوردار نبودند، شیعیان، آزادانه به ترویج عقاید خود می‌پرداختند. با ورود سلجوقیان به بغداد و تعامل میان خلافت و سلطنت که در هر دوره‌ای فراز و نشیب‌های بسیار و شرایط حساس سیاسی و اجتماعی را برای شیعیان به همراه داشت. اما بعد از مدتی شیعیان به خاطر نشان دادن لیاقت و کاردانی با حضور پررنگ، وارد عرصه سیاست شدند. و این روند حضور شیعیان تا سقوط بغداد ادامه داشت.

۲-۱- پیشینه لفظ بغداد

نام بغداد، به پیش از اسلام بر می‌گردد. نام این محل در منابع، به چند شکل روایت شده است؛ از جمله بغداد، بغداد، مغداد، مغدان و بغداد ولی آنچه بیشتر منابع در مورد آن اتفاق نظر دارند، همان «بغداد» است. که ترجمه آن خداداد یا هدیه خدا است.^۱

نقل می‌کند: «بغداد» مرکب از «باغ» و «داد» یعنی نام کسی این باغ از آن بوده و نیز گفته اند: «بغ» نام بت بود و پادشاهان قدیم ایران، این ناحیه را به تیول به یکی از بغ پرستان داد و او گفت که مرا این سرزمین بغ داده است.^۲ همین مؤلف از «لسترنج» نقل می‌کند: بغ؛ یعنی خدا و داذ با ذال به معنی پی افکند و بنا کرد. بغداد؛ یعنی خدا بنا کرد.^۳

۱. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۱۷). تاریخ بغداد. ج ۱. بیروت: دارالعلمیه. ص ۸۱

۲. تاریخ سیاسی اسلام. ج ۲. ص ۳۱۱ (به نقل از حموی)

۳. تاریخ سیاسی اسلام، (به نقل از لسترنج) ج ۲. ص ۳۱۲